



● جان کندی تول در سال ۱۹۳۷ در نیواورلئاز به دنیا آمد. او در ۱۷ سالگی بورسیه دانشگاه تونلن شد و در ۲۲ سالگی به مقام استادی کال هانتسر نیویورک رسید. او جوان‌ترین استادی بود که در این کالج، ادبیات انگلیسی تدریس کرده بود.

در سال ۱۹۵۹ زمانی که برای خدمت سربازی به پورتوریکو رفته بود، ماشین تحریر دوستش را قرض گرفت و نوشتن رمان «اتحادیه ابلهان» را شروع کرد. او بعد از بازگشت به آمریکا، رمان را بارها برای ناشران بسیار فرستاد، اما هیچ‌یک حاضر به چاپ آن نشدند. همین ناکامی باعث افسردگی‌اش شد تا اینکه در ۳۲ سالگی با وصل‌کردن شلنگ به اکزوز ماشین و تنفس از گاز سمی خودرو به زندگی خود خاتمه داد. اما مادرش بعد از دو سال افسردگی ازدست‌دادن پسرش، آستین را بالا زد و ۹سال تمام جواب رد شنید تا اینکه واکر پرسی، یکی از استادان دانشگاه لوئیزیانا که از سماجت مادر به ستوه آمده بود، حاضر شد برای رفع تکلیف نگاهی به کتاب بیندازد. او در نظر داشت بلافاصله بعد از خواندن چند صفحه از این کتاب، جواب رد بدهد، اما این استاد هرچه بیشتر کتاب را خواند، بیشتر مجذوب شد؛ شگفت‌زده از متن کتاب و اینکه چرا کسی متوجه این شاهکار نشده بود. پیشگفتاری برای کتاب نوشت، شمارگان چاپ نخست، فقط ۲۵۰۰ نسخه بود. اما کتاب بلافاصله بعد از انتشار، غوغایی به پا کرد و سال بعد جایزه پولیتزر را گرفت و به یک‌ونیم میلیون نسخه رسید. به این ترتیب، جان کندی تول تنها نویسنده‌ای شد که بعد از مرگ، پولیتزر گرفت.

جایزه پولیتزر، جایزه‌ای در روزنامه‌نگاری، ادبیات و موسیقی است که بخش‌های گوناگون دارد. این جایزه معتبرترین جایزه روزنامه‌نگاری و ادبیات آمریکاست که از سال ۱۹۱۷ هر ساله با نظارت دانشگاه کلمبیا به روزنامه‌نگاران و نویسندگان و شاعران و موسیقی‌دانان داده می‌شود.

##### تحلیل وتجویز راهبردی

این اتفاق برای خیلی‌ها افتاده است: پسری که دختری را می‌خواسته و به او نرسیده است، روی دختر اسید می‌پاشد و خودش را نیز می‌کشد. کتابی که منتشر نشده، پروژه‌ای که به پایان نرسیده، تجارتی که به شکست انجامیده، مذاکراتی که به سرانجام نرسیده، سرمایه‌ای که بر باد رفته و معاهده‌ای که با خیانت طرف مقابل روبه‌رو شده است. زندگی و کسب‌وکار سراسر ناکامی است و گاهی البته پیروزی؛ بنابراین ما پیش از آنکه خود را برای پیروزی آماده کنیم، باید خود را برای ناکامی در اهداف آماده کنیم. در این زمینه چهار تکنیک بنیادین، اما ساده قابل استفاده است:

● **تکنیک جدایی از اهداف**: باید از اهدافمان فاصله بگیریم. اولین کاری که باید انجام دهیم واد بگیریم این است که بدانیم ما مسایو یا هدفمان نیستیم؛ آن‌قدر خود را با هدفمان گره زنیم که شکست در دستیابی به هدف مساوی با ازبین‌رفتن‌مان باشد. شخصیت و زندگی خود را در گرو تحقق یک هدف قرار ندهید. این تکنیک مقدمه تکنیک دوم است.

● **تکنیک جایگزینی اهداف**: عدم دستیابی به یک هدف، گاهی اوقات نشانه آن است که هدف نامناسبی را انتخاب کرده‌اید. وقتی نمی‌توانید در یک دانشگاه معتبر در مقطع دکتر پذیرش بگیرید، شاید باید هدفتان را تغییر دهید. دانشگاه هدفتان را عوض کنید. گرایش تحصیلی‌تان را عوض کنید. یا حتی شاید لازم باشد که ابتدا در مقطع ارشد پذیرش بگیرید و سپس با یک پستوانه قوی برای دکترای و یک دید بهتر درباره دکترای اقدام کنید.

● **تکنیک شکست اهداف**: اهداف بزرگ را به اهداف کوچک بشکنید. آن‌گاه عدم دستیابی به اهداف کوچک، شکست بزرگ، تلقی نمی‌شود بلکه موفقیت کوچک تلقی می‌شود که می‌تواند به‌راحتی جبران شود.

● **تکنیک جابه‌جایی اهداف**: گاهی اوقات پیگیری هدف در یک موقعیت زمانی – مکانی اشتباه است. مثلاً ممکن است شما یک ایده خیلی خوب در زمینه ماساژدرمانی داشته باشید، اما کشور در شرایط جنگی است. پس با باید کشورتان را عوض کنید (جابه‌جایی مکانی) یا اینکه ایده خود را نگاه دارید تا شرایط عوض شود (جابه‌جایی زمانی). دلیل بزرگ بسیاری از ایده‌هایی که شکست می‌خورند، ید بودن ایده نیست، بلکه زمان یا مکان نادرست طرح ایده است. جان کندی تول خودکشی کرد، چون بلد نبود جدایی از اهداف، جایگزینی اهداف و جابه‌جایی اهداف را به‌خوبی به کار ببرد. او برای موفقیت ساخته شده بود و توانایی لازم برای مواجهه با ناکامی را نداشت. کسانی می‌توانند به موفقیت برسند که در شکست‌خوردن حرفه‌ای باشند.

کم‌شنواییِ در مان‌نشده، مقدمه ابتلا به بیماری‌های پرهزینه است

# تأخیر بیشتر، درمانِ سخت‌تر

حین ای. برادی \* ترجمه: نرگس اسدی



را نشان دهد، پس برای مردم دشوار است که بدانند چه زمانی باید آن را جدی بگیرند». او همچنین با ذکر دو نشانه خوب تعیین کرد که چه موقعی برای زمینه‌شنوایی رجوع کنید: هر زمان که خانواده و دوستان صمیمی تشخیص بدهند یا وقتی متوجه شوید که اکثر اوقات اشتباه می‌شنوید یا اصلاً نمی‌فهمید دیگران چه می‌گویند. اما حتی اگر مردم معاینه شوند و هزاران دلار برای خرید سمعک‌های مورد نیازشان هزینه کنند، اغلب، آنها را در کسو نکه می‌دارند. شاید کله کنند از اینکه کیفیت صدا ضعیف است، پارازیت دارد و از طرفی آزاددهنده است یا اینکه همه صداها را تقویت می‌کند و باعث می‌شود همچنان در یک محیط شلوغ به سختی بشنوند. دکتر لین اظهار می‌کند: «تمام این لوازم کمکی یکسان و حتی گران ساخته نشده‌اند. لوازم کمکی مناسب هر شخصی می‌تواند برای چندین بار استفاده تنظیم شود. تعدادی از مردم با اشتیاق زیاد، آنها را به دیگران می‌بخشند تا بهترین استفاده را از آنها کرده باشند». دکتر لیش گفت: «انتظارات نامعقول بخش بزرگی از این مشکلات هستند.

سمعک‌گذاشتن مثل عینک‌زدن نیست که فوراً باعث شود خیلی واضح ببینید. کم‌شنوایی به راحتی اختلال در بینایی، قابل تشخیص و درمان نیست، مغز به زمان نیاز دارد -یک تا دو ماه- تا خودش را با سمعک تطبیق دهد و هرچه زودتر درمان کم‌شنوایی شروع شود، برای مغز آسان‌تر است که به آن کنار بیاید».

مطالعات اخیر دلایل کافی به ما ارائه می‌دهد که کم‌شنوایی را جدی بگیریم. برای مثال ارتباط آن با زوال عقل را در نظر بگیرید. کسانی که نمی‌توانند خوب بشنوند اغلب از جمع‌جدا می‌افتند و از این محرک مغز که انسان را درگیر فکرکردن و شناختن می‌کند، بی‌نصیب می‌مانند. هرچه ورودی‌ها کمتر شوند، مغز هم به همان میزان کار کمتری انجام می‌دهد. مغز همچنین مسئولیت سنگین‌تری نیز دارد

خطر ابتلا به زوال عقل را تا ۵۰ درصد و افسردگی را تا ۴۰ درصد افزایش داده است.

تجزیه و تحلیل حجم وسیع اطلاعات در این زمینه توسط نیکلاس س. رد و جمعی از همکارانش، کم‌شنوایی را یکی از علل بستری‌شدن‌های متعدد و طولانی در بیمارستان، پذیرش مجدد و ویزیت‌های مکرر در اتاق فوریتهای پزشکی دانست.

در ۱۰ سال، مشخص شده ۳۰۲ درصد از افراد مبتلا به زوال عقل، ۳۰۵۷ درصد از افرادی که به طور قابل ملاحظه‌ای در یک حادثه افتادن، صدمه دیدند و ۶۰۸۸ درصد از کسانی که دنبال درمان برای افسردگی هستند، پیش‌تر به کم‌شنوایی درمان‌نشده مبتلا بوده‌اند. این آمار و ارقام ممکن است به نظر ناچیز باشد، اما به ما می‌گوید که این موارد چقدر فراگیر هستند، اشخاص زیادی را مبتلا می‌کنند و به هزینه‌های فراوان فردی، اقتصادی و اجتماعی منجر می‌شوند.

دکتر لین در این باره می‌گوید: «نویسندگان مجله گوش و حلق و بینی و جراحی سر و گردن جما، در نوامبر، در گزارشی اعلام کردند که ۸۵ درصد افرادی که کم‌شنوایی دارند، درمان نشده‌اند. تنها برای افراد مسن‌تر، هزینه درمان در مقایسه با افرادی که این عارضه را ندارند، ۴۶ درصد بیشتر است و دوره درمانی‌شان هم بیشتر از ۱۰ سال است». یکی از مؤلفان، جنیفر ا. دیل، اپیدمولوژیست (متخصص بیماری‌های واگیردار) و پیرویژه در دانشکده بهداشت عمومی جان هاپکینز به بلومبرگ گفت: «کم‌شنوایی اصلاح‌نشده به خودی خود می‌تواند دلیلی محکم برای بروز بیماری‌های مرتبط باشد.

محققان دانشکده جان هاپکینز در یکی از این مطالعاتی که روی ۱۵۴هزارو ۴۱۴ نفر در رده سنی ۵۰ سال به بالا انجام دادند (و همگی از حق بیمه سلامتی برخوردار بودند) به این حقیقت مهم دست یافتند که در مقایسه با افرادی که دچار این عارضه نبودن، کم‌شنوایی درمان‌نشده فقط در پنج سال،

## چرا دانشمندان در مورد اولین دستکاری ژن نوزادان بسیار ناراحت هستند؟

## تلنگری به جامعه علمی جهان

بابک بهمن\*

کریسپر (تکنولوژی دستکاری ژنتیکی) آشنا شد (همان سیستمی که ادعا می‌کند با آن ژن اطفال را تغییر داده است). در سال ۲۰۱۲ و پس از پایان تحقیقاتش در دانشگاه استنفورد به چین بازگشت. او در شهر شنژن در جنوب چین مستقر شد و دو شرکت آزمایش ژنتیکی تأسیس کرد. در چین جزئیات مطالعه کارآزمایی‌های بالینی (آزمایش روی انسان‌ها) فقط یک مرتبه به اطلاع کمیته اخلاق یک بیمارستان می‌رسد و نه بیشتر. دکتر هی بیان کرده که آزمایش او توسط هیئت برد کمیته اخلاق بیمارستان Harmonicare شهر شنژن تأیید شده است. بیمارستان البته این ادعا را تکذیب کرده است، اگرچه ویدئویی از یکی از سهام‌داران این بیمارستان که درباره این پروژه صحبت می‌کند، وجود دارد. در حالی که دکتر هی می‌گوید دانشگاه منبع مالی تحقیقات او بوده است، ولی او در کنفرانس دستکاری ژنتیکی در هنگ‌کنگ اعلام کرده بود که دانشگاه از جزئیات دقیق این مطالعه خبر نداشته است.

##### این پژوهش دقیقاً درباره چه بود؟

دکتر هی اعلام کرده که به اقدام خود بسیار افتخار می‌کند و قصد داشته بچه‌هایی را مهندسی ژنتیکی کرده و به دنیا بیاورد که به عفونت HIV (مولد ایدز) حساس نباشند. او چندین زوج را که در آنها مرد، مبتلا به ایدز و زن، غیرمبتلا بود، برای انجام این دستکاری ژنتیکی در کودکان جمع‌آوری کرد. بسیاری از دانشمندان بیان کرده‌اند که راه‌آسان سادتر و کم‌خطرتری هم برای محافظت از نوزاد با والد HIV مثبت وجود دارد تا به این ویروس مبتلا نشوند، اما این مسئله برای زوج‌های چینی پیچیده‌تر است زیرا طبق قوانین این کشور انجام IVF یا لقاح مصنوعی در محیط آزمایشگاهی برای بیماران مبتلا به ایدز یا دیگر بیماری‌های مقاربتی ممنوع است. در نتیجه پیداکردن داوطلب برای این مطالعه از بین این جمعیت چندان هم کار سختی نبوده است. آقای بایی هوآ مدیر یکی از مراکز حمایت از بیماران مبتلا به ایدز که به دکتر هی کمک کرده بود تا این زوج‌ها را برای مطالعه خود پیدا کند، اکنون می‌گوید شدیداً پشیمان بوده و نگران این خانواده‌هاست. او در حساب کاربری رسمی «وی‌چت» خود با نام مستعار این پیام را گذاشته است: «کول خورده‌ام، اما مسئولیت اشتباهم را به گردن می‌گیرم». او در ادامه می‌گوید: «امیدوارم از این اتفاق برای یک تصمیم‌گیری مهم استفاده کنیم. با وجود این رخداد باید آموزش‌های

### زاویه معکوس

### فاز جدید رقابت میلیاردرها



● **محمدحسین جهان‌پناه**

● در طول هفته‌ای که گذشت، چند حادثه، رقابت فضایی میلیاردرها را وارد فاز تازه‌ای کرد. رقابت فضایی میلیاردرها اصطلاحی است که در چند سال اخیر در اصطلاح به رقابت میان شرکت‌های فضایی خصوصی تأسیس‌شده از سوی برخی از مشهورترین میلیاردرهای دنیا گفته می‌شود؛ رقابتی که به نام‌هایی مثل ایلان ماسک با شرکت اسپیس ایکس، جف بزوس با بلوآوربین، ریچارد برنسون با ویرجین‌گلکتیک و پُل آلن با شرکت ولکان شناخته می‌شود؛ آدم‌هایی که همگی شهرت و ثروت خود را از حوزه‌های دیگری به دست آورده بودند، اما به هزار و یک دلیل بیل بریت و با ربط این روزها بیشتر در صنعت فضایی مانور می‌دهند. چند ماه پیش وقتی پل آلن مالک ولکان و یکی از بنیان‌گذاران مشهور مایکروسافت درگذشت، همه منتظر بودند ببینند که نتیجه درگذشت او بر رقابت میلیاردرهای فضایی چه خواهد بود؛ نتیجه‌ای که این هفته اولین نشانه‌های آن در قالب بیانیه شرکت استراتولانچ ظاهر شد. شرکت زیرمجموعه ولکان که هدف از آن توسعه هواپیمایی غول‌آسا برای پرتاب راکت‌های ماهواره‌بر و همچنین فضایی‌های سرنشین‌دار به فضا بود. ساخت هواپیمایی استراتولانچ با استفاده از قطعات دو هواپیمایی بوئینگ ۷۴۷ اسمال سرانجام در موهاولی به پایان رسید با این حال، پُل آلن قبل از دیدن پرواز هواپیمای درگذشت. درگذشت او به این معنی بود که استراتولانچ و ولکان که همین حالا هم به دلیل تأخیر برنامه و هزینه‌های بالا تحت فشار بودند،

مهم‌ترین حامی مالی خود را به ناگاه از دست داد؛ اتفاقی که سرانجام منجر به آن شد که این شرکت برنامه ساخت راکت خود را لغو کند و بگوید که فعلاً فقط به سرویس‌دهی به راکت‌های دیگران بسنده خواهد کرد؛ عقب‌نشینی‌ای که در درازمدت ممکن است به‌کلی ولکان را از دامنه رقابت پیشین با شرکت‌های خصوصی فضایی مهم این روزها خارج کند. اما اوایل این هفته اتفاق دیگری هم افتاد. اسپیس ایکس برای نخستین‌بار روی سکوی پرتاب، موتورهای موشکی را آزمایش کرد که روی نوسک آن یک فضایی‌های سرنشین‌دار را گون جا خوش کرده بود؛ فضایی‌مایی که تا یک ماه دیگر به صورت بدون سرنشین در پرتابی آزمایشی به فضا پرتاب شده و در ایستگاه بین‌المللی پهلو خواهد گرفت. به این ترتیب در صورتی که همه‌چیز به‌خوبی پیش برود، تا پایان اسمال شاهد پرتاب سرنشین‌دار آن هم خواهیم بود؛ رخدادی که منجر می‌شود تا آمریکایی‌ها سرانجام چندین سال پس از بازنشتگی شاتل‌ها مجدداً صاحب فضایی‌های سرنشین‌دار شده و دیگر برای پرتاب فضانورد، به فضایی‌های سلسایز روسی متکی نباشند؛ اندکایی که به بهای هر فضاانورد در هر پرتاب ۸۰ میلیون دلار برای ناسا تا به امروز تمام شده است. موفقیت اسپیس ایکس در پرتاب

سرنشین‌دار علاوه بر بازگرداندن توانایی پرتاب فضاانورد به ناسا برای ایلان ماسک هم گامی مهم خواهد بود؛ گام مهمی که او از یک قدم تا رسیدن به هدف‌های دور و درازش نزدیک‌تر می‌کند؛ هدف دور و درازی که از هم‌اکنون ماه و مریخ را نشانه گرفته‌اند. ماسک حتی این روزها در حال ساخت نمونه آزمایشی از نسل بعدی فضایی‌های خود نیز هست؛ فضایی‌هایی که قرار است آرزوی جاه‌طلبانه او برای ایجاد پایگاه‌هایی در ماه و مریخ را ممکن کنند. حادثه دیگری که در این هفته در رقابت میان میلیاردرها خبرساز شد، آغاز ساخت کارخانه جدیدی برای موتورهای موشک نیوگلن به وسیله شرکت بلوآوربین بود. شرکت جف بزوس مدیرعامل مشهور آمازون که به همراه بلوآوربین مهم‌ترین رقیب خصوصی ایلان ماسک در میان شرکت‌های فضایی خصوصی شمرده می‌شود. بلوآوربین در مقایسه با اسپیس ایکس هنوز چند گام عقب‌تر است، اما در نهایت هدف نهایی جف بزوس هم تفاوت زیادی با ایلان ماسک ندارد. هر دو شرکت اسپیس ایکس و بلوآوربین در حال حاضر روی ساخت راکت‌های پرتابگر بازگشت‌پذیر متمرکز هستند؛ البته با این تفاوت که راکت‌های اسپیس ایکس چندسالی است که واقعا عملیاتی شده‌اند، اما راکت‌های بلوآوربین هنوز آماده ورود به خدمت نیستند و اما ویرجین‌گلکتیک و ریچارد برنسون که این روزها کمتر خبر مهمی از آن منتشر می‌شود، سخت مشغول کار روی آماده‌سازی برای به پروازدرآوردن موتورهای خود تا لبه فضا هستند. این شرکت که چند سال پیش پس از سانحه یکی از فضایی‌های خود با مشکلی جدی روبه‌رو شد، حالا به نظر می‌رسد دیگر رسماً دوباره به رقابت بازگشته است. در نهایت باید اشاره کرد که اگرچه هنوز هم هیجان رقابت فضایی میلیاردرها خیلی‌ها را به وجد می‌آورد، اما حقیقت این است که این رقابت این روزها چهره به‌مراتب واقع‌گراتری نسبت به گذشته گرفته است؛ تغییر قابلی که با عبور از مرز روایاها شاید روزی واقعا بتواند رقابت فضایی این روزهای دنیا را متحول کند.